

استاندارد دوگانه

بنیاد غلط نژادپرستی در آمریکا

نقد و بررسی رفتارهای متناقض آمریکا نسبت به سیاه‌پوستان در مقایسه با سفیدپوستان

را فراموش نخواهد کرد، صدها طرفدار رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، ساختمان کنگره آمریکا را محاصره کرده و کوشیدند نتایج انتخاب آزادانه و منصفانه جو بایدن به عنوان رئیس‌جمهور بعدی و کاملاً هریس، معاون او را وارونه سازند. شورشیان پس از یورش به سوی درها، شکستن پنجره‌ها و حمله به سالن کنگره، در جایگاه سناتورها نشستند، پاهای خود را بر روی میز سخنگوی مجلس گذاشته، دفاتر کنگره را غارت کرده و تندیس‌ها را تخریب نمودند. نتیجه آن چه شد؟ تعداد بسیار کمی بازداشت شده و حتی برخی نیز با مأموران حفاظت سلفی گرفتند. رویدادهای روز چهارشنبه، حاکی از استانداردهای دوگانه‌ای است دال بر آنکه اجرای قانون در برابر گروه‌های مختلف، بسته به نژادشان تا چه حد متفاوت است. سال گذشته، گروه معترضان «مسئله زندگی سیاهان» که رفتارشان بسیار مسالمت‌آمیز بود از سوی مقامات، با خشونت مواجه

چنین نیست؛ «کسی که ما هستیم، همان اسطوره بزرگ آمریکایی است» نوشته کلبوجیل زوبگو

جورج فلویید در مینه‌سوتا، به قولی به دلیل استفاده از صورت‌حساب جعلی ۲۰ دلاری در فروشگاه محل، توسط پلیس کشته شد. پرونا تیلور در خواب و در خانه‌اش در لوئیزیولا کنتاکی، به دست پلیس کشته شد. احماد اربری به دست سه تن از متعصبان محل، به دلیل تنه زدن، در ناحیه گلین جورجیا از بین رفت. در سال ۲۰۲۰، آمریکاییان معترض به نژادپرستی ساختاری و خشونت علیه سیاه‌پوستان، با گاز اشک‌آور، اسپری فلفل، گلوله‌های پلاستیکی و اتهام تهدید برای صلح عمومی روبرو می‌شوند و در بحران‌های ایالات متحده، مورد پیگرد و بازداشت‌های خودسرانه قرار می‌گیرند.

در روز چهارشنبه، ۶ ژانویه ۲۰۲۱، یعنی روزی که جهان هرگز آن

کلبوجیل زوبگو، متخصص علوم اجتماعی در دانشگاه جنوب کالیفرنیا و بنیان‌گذار و مدیر آزمایشگاه عدالت بین‌المللی ویلیام و مری، در این مطلب با عنوان «کسی که ما هستیم، همان اسطوره بزرگ آمریکایی است ۱» - که در ۲ ژانویه ۲۰۲۱ در تارنمای ایران دیلی ۲ منتشر شده است - درباره ناهمخوانی و متفاوت بودن رفتار آمریکا با سیاه‌پوستان و به طور کلی رنگین‌پوستان، در مقایسه با سفیدپوستان است. او اعتقاد دارد که علی‌رغم انکار مکرر این تفاوت توسط رسانه‌ها و رهبران سیاسی آمریکا، این، دقیقاً همان ماهیت آمریکا بوده و به نوعی نشان‌دهنده خدشه‌بنیادی در تصویر ملی ایالات متحده به صورت ناتوانی شهروندان در متحد شدن حول درک مشترکی از واقعیت، به خصوص از نظر نژادپرستی بنیادین و بی‌عدالتی سیستماتیک است.

1. Kelebogile Zvobgo
2. This is not who we are' is a great American myth
3. irandaily

گردیدند و اتهام آشوبگر و غارتگر، به آن‌ها زده شد. برعکس آن در این جریان، برخی سیاستمداران محافظه‌کار و رسانه‌های خبری موضوع را انکار نموده، بهانه‌تراشی کرده و حتی از طرفداران شورش ترامپ نیز دفاع کردند که می‌کوشیدند سنگرموکراسی ایالات متحده را تصرف نمایند.

سیاست‌گذاران، دانشگاهیان و شهروندان، مدت‌هاست که این ناهمخوانی در رفتار با سیاه‌پوستان و به‌طورکلی رنگین‌پوستان در مقایسه با سفیدپوستان را در آمریکا تقبیح می‌کنند؛ در گشت زنی پلیس، استخدام، بخش مسکن، بخش مراقبت از سلامتی و بهداشت و در بسیاری از عرصه‌های دیگر. این نابرابری در بردارنده نتایج زیانباری برای دموکراسی است. در واقع، شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌سازد، به حاشیه رفتن گروه‌های خاص را عادی جلوه می‌دهد و مشارکت برابر و کامل تمام مردم در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را محدود می‌کند. رفتار ضد دموکراتیک و نژادپرستانه‌ای که معرف دوران ترامپ است، باید به طریق برقراری عدالت در دوره گذار برطرف گردد؛ نخست آنکه آمریکاییان درک مشترکی از گذشته و حال خود به دست آورند و دوم، عدالت برای همه برقرار گردد. در چند روز گذشته، رسانه‌ها و رهبران سیاسی آمریکا، بارها و بارها

تکرار کرده‌اند که «این ما نیستیم» و «این آمریکا نیست». آیا این ما نیستیم؟ آیا این آمریکا نیست؟ برعکس، این، همان ماهیت آمریکا است. خدشه‌بنیادی در تصویر ملی ایالات متحده، ناتوانی شهروندانش در متحد شدن حول درک مشترکی از واقعیت است، به‌خصوص از نظر نژادپرستی بنیادین و بی‌عدالتی سیستماتیک. این موضوع، به‌گونه روزافزونی موجب اعتراض می‌شود. حمله این هفته به کنگره، نشان می‌دهد که وقت آن است تا ایالات متحده با گذشته و حال مشکل‌ساز خود روبرو شود. وقت آن است که دادگستری سنتی به تبعیض، خشونت و اعتیاد به قدرت، توسط دولت و نقش‌آفرینان غیردولتی بپردازد. در حالی که دادگستری سنتی در دموکراسی‌های جدید و کشورهای دچار تعارض، اغلب توسط دولت اجرا می‌شود، همین چهارچوب می‌تواند در ایالات متحده ارزشمند باشد که دارای لیست بلندی از سوء رفتار و خشونت است که به‌طورکلی به نژادپرستی و دیگر سیستم‌های بیدادگری مربوط می‌شود. دادگستری سنتی می‌تواند به ایالات متحده کمک کند تا دو موضوع عاجل را هم‌زمان حل کند؛ یعنی رفتار ضد دموکراتیک و نژادپرستی تاریخی و معاصر. ترامپ و اطرافیانش، آشوب ضد دموکراتیک در کنگره را طی ماه‌ها دروغ‌بافی

درباره آرای غیرقانونی، دستگاه رأی‌گیری معیوب و سرقت و انهدام آرای مخفی تسریع کردند. خصومت نژادی بسیاری از جمهوری خواهان، زمینه‌ساز این حملات شده است. نگرانی جمهوری خواهان که عمدتاً سفیدپوست هستند، حضور روزافزون و قدرت سیاسی آمریکاییان رنگین‌پوست و درخواستشان برای آزادی بیشتر و جامعه برابر است. دانشمندان علوم سیاسی، لاری بازلتز، از یک بررسی که در ژانویه ۲۰۲۰ در کشور انجام شد، دریافت که ۵۱ درصد جمهوری خواهان شرکت‌کننده در بررسی، معتقدند «راه و رسم زندگی آمریکای سنتی به سرعتی محومی شود که مجبوریم از قدرت برای نجات آن استفاده کنیم». ۴۷ درصد نیز بیان کرده‌اند که «رهبران قوی گاهی اوقات باید به منظور پیشرفت امور، قوانین را نادیده بگیرند» و ۴۱ درصد هم معتقدند «زمانی خواهد رسید که آمریکاییان میهن‌پرست، قانون را در دستان خود بگیرند». اکنون ممکن است این ارقام حتی بالاتر رفته باشد. دادگستری سنتی این عقاید را تا حدی با تنبیه کسانی رد می‌کند که قانون را در دستان خود قرار داده‌اند و بازدارنده کسانی است که در آینده، چنین عمل خواهند کرد.

به‌عنوان بخشی از واکنش دادگستری سنتی به اقدامات ضد دموکراتیک، مقامات منتخب ایالات متحده باید

مستثنا کردن سفیدپوستان است. معترضان تابستان گذشته BLM، قانونمند عمل کردند و اهدافی نداشتند، مانند پایان دادن به وحشیگری پلیس و بخشودگی مرتکبین خشونت نژادی. شورش طرفداران ترامپ توأم با خشونت و اقدامات غیرقانونی بود و با هدف بدجنسی انجام شد؛ یعنی تخریب دموکراسی و وارونه سازی خواسته مردمی که به گونه روزافزونی متغیر است. حاکمیت بایدن و مجلس جدید کنگره، باید به سرعت با حمله به دموکراسی و با گروه‌های حاشیه‌سازی برخورد کند که مشخصه ریاست جمهوری ترامپ است؛ اکنون، زمان حقیقت و عدالت است.

منبع:

این مقاله ترجمه است از مقاله‌ای که در آدرس ذیل قابل دسترسی است:
<http://irandaily.ir/News/279281.html>

کنگره باید اقتدار گذشت و عفو ریاست جمهوری را نیز محدود کند، به گونه‌ای که رهبران، بستگانشان یا شرکای نزدیک آن‌ها، مشمول عفو نشوند. اقتدار گذشت و عفو خودسرانه، ویژگی قطعی مدیریت ترامپ است و بسیاری از هم‌پیمانان ترامپ، در مورد سوء رفتارهای خود عفو می‌شوند. دوم آنکه برای رویارویی با گذشته و حال نژادپرستی در آمریکایی، این کشور باید به گروه حقیقت بپردازد، مانند آنکه مورد حمایت باربارالی و سن جورجی بوکر بود تا واقعیت اساسی معینی را برای این کشور پایه‌ریزی نماید. نابرابری سیستماتیک، ویژگی قطعی دموکراسی آمریکایی بوده، همان‌طور که برتری سفیدپوستان چنین است. هر دوی این‌ها توجیه‌گر ناهمخوانی در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ از جمله آنکه معترضان، چگونه به تصویر کشیده شوند و تحت عنوان اجرای قانون، با آن‌ها چگونه رفتار شود؟ حال، چه از راه کمیسیون حقیقت، چه به طریق سایر رسیدگی‌های کنگره، ایالات متحده باید از اتهام زنی‌های بی‌اساس و همانند کردن نادرست جنبش‌های اجتماعی مانند BLM با شورش‌های کنگره رها گردد. باید روشن شود، چرا در حالی که BLM رواداری و برابری نژادی را ترویج می‌دهد، جنبش ترامپ مبنی بر «عظمت آمریکا را دوباره بساز»، متمرکز بر برتری و

نظریه‌های بی‌اساس توطئه‌تقلب در انتخابات را رها کنند و کسانی که مشوق آن‌ها هستند، باید در برابر قانون پاسخگو باشند. وقتی کنگره دموکراتیک پس از افتتاح در ۲۰ ژانویه تشکیل شود، باید به اطلاعات متناقض انتخاباتی رسیدگی نماید. تمام مقامات فدرال که به پخش اطلاعات متناقض کمک کرده و محرک خشونت بودند، باید از سوی کنگره احضار شوند تا مجبور شوند، سوگند یاد کنند و ریسک شهادت دروغ و بیان مطلب غیرواقعی را بپذیرند؛ یعنی بیان کنند که انتخابات ۲۰۲۰، امن، مطمئن، آزادانه و منصفانه بوده است. طرفدارانشان باید حقیقت را مستقیماً از زبان خودشان بشنوند. حال، اگر افراد احضار شده در صورت سوگند خوردن، نتوانند پذیرای حقیقت باشند یا دروغ بگویند، با تنبیه ساده‌ای روبرو می‌شوند. آن‌ها باید به اشکال تراشی در برابر عدالت و دروغ‌گویی به کنگره، متهم شوند و محاکمه گردند. همچنین، شورشیان چهارشنبه و تمام کسانی که در چنین اقدامات خشن و غیرقانونی به نیت برقراری دموکراسی دخالت داشتند، باید بازداشت شوند، محاکمه گردند و جریمه‌اش را بپردازند. در غیر این صورت، احتمالاً در هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌های آینده نیز با چنین وقایع مشابهی روبرو خواهیم شد.